

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعتماد
سرمایه اجتماعی
نظام تعلیم و تربیت

سرشناسه	: مرادی، حسین، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: اعتماد، سرمایه اجتماعی نظام تعلیم و تربیت/ حسین مرادی.
مشخصات نشر	: شیراز: گنج علم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۵ص: جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۵-۱۷-۵ ریال ۱۹۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه : ص. [۱۱۷] - ۱۲۵ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: سرمایه اجتماعی
موضوع	: Social capital (Sociology)
موضوع	: اعتماد اجتماعی
موضوع	: Trust -- Social aspects
موضوع	: آموزش و پرورش -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Education -- social aspects
رده بندی کنگره	: HM۸۰۸۳۹۷۷۰۶ الف۴۴م/
رده بندی دیویی	: ۳۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۰۸۲۲۲

اعتماد

سرمایه اجتماعی نظام تعلیم و تربیت

حسین مرادی



انتشارات
گنج علم

نام کتاب: اعتماد، سرمایه اجتماعی نظام تعلیم و تربیت
ناشر: گنج علم
چاپ اول: بهار ۱۳۹۷
ویراستار: حسین عبادی
صفحه آرا: گلنوش بروسان
طراح جلد: مریم مظفری
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۵-۱۷-۵
ISBN: 978-622-6085-17-5
قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

آدرس: شیراز- پارامونت، ابتدای خ قصر دشت، کوچه ۱، پلاک ۱
انتشارات گنج علم

تلفن: ۰۷۱۳۲۳۰۴۰۱۷

آدرس سایت: www.gpub.ir

ایمیل: Ganjelpub@gmail.com

«کلیه ی حقوق چاپ و نشر محفوظ و متعلق به ناشر است.»

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کسی تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف (ناشر) نشر یا پخش و عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست فصول و مندرجات آنها

۱ فصل اول کلیات
۱۵ فصل دوم سرمایه اجتماعی چیست؟
۱۶ تعریف سرمایه اجتماعی
۱۸ ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
۲۲ دیدگاه‌های صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی
۲۶ سطوح سرمایه اجتماعی
۲۹ نظریه‌های سرمایه اجتماعی
۳۲ مزایا و معایب سرمایه اجتماعی
۳۵ فصل سوم اعتماد
۳۸ انواع اعتماد
۴۱ اسلام و عناصر اجتماعی سرمایه اجتماعی
۶۰ قانون‌گرایی
۶۰ مصادیق نظم در روابط اجتماعی
۶۱ فصل چهارم تعلیم و تربیت و اعتماد به آن
۶۵ مفهوم
۶۶ تربیت
۶۹ نقش اعتماد به عملکرد نظام تعلیم و تربیت در تحقق اهداف آن
۷۲ عوامل مؤثر بر کاهش اعتماد به عملکرد نظام تعلیم و تربیت
۷۴ چرایی اعتماد به نظام تعلیم و تربیت
۷۶ راهکارهای افزایش اعتماد به عملکرد نظام تعلیم و تربیت
۷۹ واکاوی جایگاه اعتماد در بین محققین داخلی
۸۶ واکاوی جایگاه اعتماد در بین محققین خارجی
۹۱ فصل پنجم عوامل اثربخشی بر اعتماد به نظام تعلیم و تربیت
۹۷ جمع بندی
۱۱۰ پیشنهادهایی جهت ارتقاء سطح اعتماد به نظام تعلیم و تربیت
۱۱۳ سخن آخر
۱۱۷ فهرست منابع

فصل اول

کلیات

در دهه گذشته، توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی در عرصه‌های آکادمیک و سیاست‌گذاری عمومی، رشد انفجارگونه‌ای داشته است. سرمایه اجتماعی باوجود دشواری درک آن به شکل شبکه‌های روابط اجتماعی و هنجارهای مربوط به آنها که می‌توانند برای تسهیل کنش‌ها به کار گرفته شوند، به‌عنوان یک منبع مفید برای رفاه افراد و اجتماع شناخته شده است.

این مفهوم موارد کاربرد متعددی از حوزه‌هایی همچون خانواده‌ها، تحصیل، مشکلات جوانان تا حوزه‌های بهداشت عمومی، توسعه اقتصادی و نوسازی دموکراتیک دارد. سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه است، زیرا (بالقوه) همانند سرمایه انسانی و فیزیکی، دارای بادوامی است که تولید یا کسب آن بدون هزینه نیست (حداقل اگر به هزینه مادی نیاز نباشد، مستلزم صرف زمان و فعالیت است)، و از آن مهم‌تر می‌توان در آن با هدف ایجاد منفعتی در آینده سرمایه‌گذاری کرد. سرمایه اجتماعی، می‌تواند همانند سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، جانشین یا مکمل انواع سرمایه باشد.

فرانسیس فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی تعریف کرد؛ مشروط بر آنکه

این هنجارها شامل ارزشهای مثبت مانند صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی آید، این است که این مفهوم در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط بین اعضای یک گروه بوده، به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزشها و معیارهای رایج مثبت تلقی شود هدایت می کند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ص. ۱۴).

یکی از دغدغه‌های عالمان اجتماعی و فیلسوفان از زمان‌های گذشته تا به امروز، موضوع ثبات یا تغییر در جوامع بشری بوده است. ثبات هر جامعه، رابطه‌ای تنگاتنگ با انسجام اجتماعی دارد و انسجام هر جامعه را می‌توان در رابطه با عوامل و مجاری تغییر، درک کرد.

از عوامل مهم و مؤثر در انسجام و یکپارچگی جامعه، وجود اعتماد در بین افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی است. زمانی که اعتماد اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار فرسایش شود، نظم و انسجام اجتماعی نیز با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. زیمل جامعه‌شناس آلمانی معتقد است که بدون وجود اعتماد در بین افراد جامعه، آن جامعه فرو می‌پاشد. چراکه بسیاری از روابط میان آدمیان، بر عدم قطعیت بین آن‌ها استوار است. به باور زیمل، تمایلات انسانی، بیش از ملاحظات شخصی، از طریق اعتماد استمرار می‌یابد (زیمل، ۲۰۰۴، ۱۷۸).

به نظر لومان هر جا اعتماد هست، امکانات فزاینده‌ای برای تجربه و کنش وجود دارد. اعتماد بقای روابط اجتماعی پایدار و صلح‌آمیز را که بنیاد رفتار جمعی و همکاری مفید است، ممکن می‌سازد. گرچه اعتماد، متضمن مخاطره است، اما تبدیل وضع طبیعی هابزی را که بسی نامطلوب و نامطبوع است به وضعیتی مطلوب‌تر، کارآمدتر و صلح‌آمیزتر ممکن می‌سازد.

زندگی اجتماعی بدون وجود اعتماد در بین شهروندان، غیرقابل تحمل و حتی ناممکن است (جالاوا، ۲۰۰۳، ۱۸۳، نیوتون، ۲۰۰۳، ۲۰۲).

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از عناصر اصلی سرمایه‌ی اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم و فراوانی که با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد، مورد توجه بسیاری از محققان می‌باشد.

اعتماد اجتماعی از جمله پدیده‌هایی است که در روابط و تعاملات انسانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. اعتماد بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی چه در ارتباط میان فردی و چه در ارتباطات اجتماعی بین گروه‌ها است. اعتماد، مفهوم مبهمی است که از دیدگاه‌های مختلف تجزیه و تحلیل شده و این امر تا حدودی به کثرت معنا، ابعاد و انواع مختلف آن منتهی گردیده است. به گفته برثویت مهم‌ترین مکانیزم برای فرهنگ‌آموزی اعتماد، اعتماد به دیگران است. فقدان اعتماد منجر به محدود شدن انعطاف و آزادی عمل می‌شود. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است.

اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد، ابزارهایی چون زور و اجبار به تضمین دادوستدها، کارآیی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد. اعتماد امری است که به افراد امکان می‌دهد تا با دیگران معاشرت کنند و از این طریق به ظهور سرمایه اجتماعی می‌انجامد، که این توانایی را به افراد می‌دهد که برای تحقق اهداف مشترک با یکدیگر کار کنند.

تعلیم و تربیت از جمله دغدغه‌های مشترک جوامع انسانی است. کشورها و ملت‌ها براساس طرز فکر و مکتب فلسفی و سیاسی حاکم بر جامعه، مقاصد تربیتی خود را تعریف می‌کنند و این تنوع در سبک و روش به تفاوت در اهداف تربیتی می‌انجامد.

برای شروع هر کاری باید مقاصد و اهداف آن عمل معین و روشن باشد تا برای تحقق آرمان‌های مورد نظر از بهترین روش‌ها و وسایل استفاده گردد. گاستون میالاره در یکی از چهار معنی که برای تربیت عنوان می‌کند، تربیت را به‌عنوان نهاد اجتماعی و نظام تربیتی می‌داند که دارای ساختها و قواعد عمل خاصی است و هرگاه بخواهیم معنی کلمه تربیت را به جنبه صرفاً نهادی یا رسمی آن برگردانیم، مفهوم آن به همین جا محدود خواهد شد. اما نظام‌هایی غیر منسجم (مانند رادیو و تلویزیون) و دیگر نهادها و سازمان‌هایی هستند که عمل آموزش و پرورش را تکمیل می‌کنند. در این تعریف از تربیت، سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی برخاسته از محیط پیرامونی بر نظام تعلیم و تربیت از جهت تأثیر در دستیابی به اهداف مورد نظر، دارای اهمیت زیادی می‌شود.

البته برای مفهوم تعلیم و تربیت نیز تعاریف متعددی صورت گرفته که با توجه به دیدگاه هر کدام از اندیشمندان و خاستگاه تعاریف ارائه شده در شکل‌گیری مفاهیم مورد نظر و راههای دستیابی به اهداف نظام تعلیم و تربیت، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. نظام تعلیم و تربیت در هر کشور از جایگاه و اهمیت زیادی برخوردار بوده، به‌نحوی که حاکمان هر جامعه آن را به‌عنوان ابزاری اساسی در جهت انتقال خواسته‌ها و اهداف خود به متن جامعه می‌دانند. هر چه اعتماد اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر ایجاد شود حرکت جمعی آن جامعه در تحقق اهداف مورد نظر در زمینه‌های مختلف دارای شتاب بیشتری خواهد شد (میالاره به نقل از کاردان، ۱۳۷۵).

در جهان امروزی بسیاری از فعالیت‌های اساسی و حیاتی مورد نظر جامعه را سازمان‌های گوناگون انجام می‌دهند. یعنی پیشرفت و بقای جامعه تابع عملکرد مؤثر سازمان‌هاست. سازمان‌ها تا زمانی که برای بقا تلاش می‌کنند و

خود را نیازمند حضور در عرصه ملی و جهانی می‌دانند، باید اصل بهبود مستمر را سرلوحه فعالیت خود قرار دهند.

این اصل حاصل نمی‌شود مگر اینکه زمینه دستیابی به ارتقاء سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر باشد. بنابراین برای رشد و توسعه که پیش‌نیاز اساسی آن بهبود عملکرد سازمان‌هاست، باید متغیرهای سرمایه اجتماعی شناخته شود و به بهترین نحو ممکن مورد بهره‌برداری قرار گیرد (غفاری و رضانی، ۱۳۸۶، صادقی و فتحی، ۱۳۸۱، لیرنا، ۲۰۰۸).

آنچه در سرمایه اجتماعی و مفهوم آن نهفته است، سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و همچنین افزایش، گسترش و به اشتراک گذاشتن منابع در روابط اجتماعی از طریق آن برای تسهیل کنش جمعی و گسترش اعتماد و بده و بستان در جامعه است. از این رو، روابط اجتماعی بستر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

سرمایه اجتماعی اهمیت اساسی شبکه‌های قوی روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری را در اجتماعات آشکار می‌سازد. از دیدگاه سازمانی، قوشال و ناهایت سرمایه اجتماعی را به‌عنوان جمع منابع بالفعل و بالقوه موجود در درون، قابل دسترسی و ناشی شده از شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی تعریف می‌کنند (نونالی، ۱۹۸۷، ترک‌زاده و محترم، ۱۳۹۱، جاکوبز، ۱۳۹۵).

اگر جامعه‌ای خواهان پویایی و اثربخشی نظام تعلیم و تربیت خود می‌باشد باید مدرسه، خانواده، جامعه و نهادهای مرتبط را با اهداف یکدیگر، همراه و همگام سازد. هماهنگی بین نظام تعلیم و تربیت با سایر نهادها و انطباق با نیازهای روز جامعه می‌تواند تعلیم و تربیت را از پشتوانه یکپارچه و همسو برخوردار کند. اگر به هر دلیلی بین این نهاد و دیگر نهادها هماهنگی لازم نباشد، اهداف تربیتی نه تنها یکدیگر را تکمیل و تقویت نمی‌کنند بلکه در تعارض و تقابل با یکدیگر نیز قرار می‌گیرند.

آموزش و پرورش به عنوان نهاد مدرن امروزی، پس از رنسانس شکل گرفت و دولت‌ها در گذر زمان رفته رفته زمام تعلیم و تربیت را از خانواده جدا کرده و خود متولی آن شدند. این روند در بسیاری از کشورها فراز و نشیب فراوانی را تجربه کرد و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبود.

پیش از انقلاب به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و تعارضات بین نظام حاکم با جامعه اسلامی، بسیاری از خانواده‌ها از سپردن فرزندان خود به نظام آموزشی کشور خودداری می‌کردند، که این تعارض بیشتر ریشه فرهنگی و اعتقادی داشت و خانواده‌ها از بیم غفلت در تربیت دینی فرزندان خود، از سپردن بچه‌ها به مدارس دولتی امتناع می‌کردند و تقریباً بار غالب تعلیم و تربیت متوجه خانه و خانواده بود.

پس از انقلاب خصوصاً در دهه اول آن به دلیل حسن اعتماد مردم به نظام و انقلاب اسلامی در نگرشی بالعکس به یکباره بار اصلی تعلیم و تربیت بر دوش آموزش و پرورش رسمی کشور و مدارس افتاد، به طوری که این تغییر اساسی تا جایی پیش رفت که خانواده‌ها همه رسالت تربیتی فرزندان خود را و به اصطلاح ریش و قیچی را به آموزش و پرورش واگذار کردند.

در دهه دوم انقلاب رفته رفته متولیان نظام تعلیم و تربیت متوجه این نکته شدند که واگذاری ۱۰۰ درصد امور به آموزش و پرورش و عدم مشارکت خانواده‌ها نمی‌تواند اهداف ترسیمی را محقق کند. از این رو مشارکت خانواده‌ها و دیگر نهادهای مردمی و غیر دولتی در آموزش و پرورش، بار دیگر الزام خود را به رخ کشید. شکل‌گیری آموزش و پرورش نوین در ایران پس از انقلاب اسلامی و ایجاد تغییرات متعدد و بنیادی در نظام تعلیم و تربیت برآمده از انقلاب اسلامی و آموزه‌های دینی لزوم بازنگری در اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش را آشکار نمود.

اما اینکه آیا این مهم توانسته است خانواده‌ها و سایر نهادهای فرهنگی را در یک راستا قرار دهد یا خیر، سؤال مهمی است که در این کتاب به آن پرداخته خواهد شد. اعتماد اجتماعی به‌عنوان پایه و اساس مهمی از سرمایه اجتماعی یکی از مقولات و عناصر بنیادین در برقراری تعامل اجتماعی است. تعاملی که بین تمامی نهادهای اجتماعی و مردمی که در آن جامعه زندگی می‌کنند، می‌بایست برقرار باشد تا حرکت جامعه از یک نوع زندگی انفرادی به سمت و سوی جامعه مدنی را موجب شود. فوکویاما ادعا می‌کند، سبب اینکه برخی از کشورها علی‌رغم برخورداری از فرهنگ یکسان، دارای موقعیت بالاتری نسبت به دیگر کشورها هستند، وجود سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی)، صداقت و اعتماد است که باعث می‌شود تا افراد در انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق شده و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم کنند.

در جامعه پویا و بانشاط، مشارکت بالای مردم در آموزش و پرورش ناشی از اعتماد متقابل است که بین کارکنان این نظام و سایر مردم به‌عنوان ذینفعان آن ایجاد می‌شود. این کتاب به دنبال شناخت نقش، تأثیر و جایگاهی است که اعتماد اجتماعی می‌تواند در نظام تعلیم و تربیت کشور داشته باشد.

اعتماد و مشارکت به‌عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی به دلیل ارتباط مستقیم و فراوانی که با متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارند، مورد توجه بسیاری از محققان می‌باشند. چلبی معتقد است، شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمامی ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در ایران وجود دارد.

تحقیقات گوناگونی که به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند نیز بیانگر نامطلوب بودن میزان اعتماد اجتماعی در مناطق گوناگون کشور می‌باشد. طبق نظر برخی پژوهشگران اعتماد در مدرسه زیربنای اثربخش بودن است.